



ذکر «بِحَوْلِ اللَّهِ وَ قُوَّتِهِ اقْوَمُ وَ اقْعُدْ» در نماز؛ تبری از اشاعره و معتزله

انسان در هر رکعت نمازش با جمله « بِحَوْلِ اللَّهِ وَ قُوَّتِهِ اقْوَمُ وَ اقْعُدْ » نفی جبر و تفویض می‌کند؛ وقتی سوال می‌کنند ما می‌توانیم در نماز از کسی تبری جوییم، امام می‌فرمایند: بله، شما از معتزله و اشاعره در هر رکعت نماز با گفتن جمله «بِحَوْلِ اللَّهِ وَ قُوَّتِهِ اقْوَمُ وَ اقْعُدْ» تبری می‌جوید.

انسان در هر رکعت نمازش با جمله « بِحَوْلِ اللَّهِ وَ قُوَّتِهِ اقْوَمُ وَ اقْعُدْ » نفی جبر و تفویض می‌کند؛ وقتی سوال می‌کنند ما می‌توانیم در نماز از کسی تبری جوییم، امام می‌فرمایند: بله، شما از معتزله و اشاعره در هر رکعت نماز با گفتن جمله «بِحَوْلِ اللَّهِ وَ قُوَّتِهِ اقْوَمُ وَ اقْعُدْ» تبری می‌جوید.

به گزارش خبرگزاری بین‌المللی قرآن (ایکنا)، آیت‌الله العظمی جواد آملی چهارشنبه، 25 دی‌ماه، در تفسیر آیات 33 تا 38 سوره مبارکه یاسین بیان کرد: اصل مبدا با پیدایش هر موجود ممکن ثابت می‌شود و نظم حاکم بر جهان ثابت کننده توحید است و چون اگر بیش از یک مبدا در عالم باشد، چون هر مبدای صفات او و عین ذات اوست وقتی دو مبدا در عالم باشد، دو ذات است، دو عین است، دو تشخیص است و این معنای آیه 22 سوره انبیا است «لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا؛ اگر در آسمان ها و زمین جز خدای یکتا خدایانی وجود می‌داشت، قطعاً آسمان‌ها و زمین در اثر تدبیرهای متضاد تباه می‌شد؛ پس تداوم هستی نشانه تدبیر واحد و یکتایی مدبر آن است»؛ لذا شرک و الحادی که در آن سرزمین بود با این آیات حل می‌شود.

وی ادامه داد: زمین چون جامد است، راکد است، مرده است؛ قدرت ندارد که حبه را حیات ببخشد تا بشود خوشه و ثمره دهد «وَأَيُّهُمْ الْأَرْضُ الْمَيِّتَةُ أَحْيَيْنَاهَا وَأَخْرَجْنَا مِنْهَا حَبًّا فَمِنْهُ يَأْكُلُونَ؛ آیا درنیافته‌اند که چه بسیار نسل‌ها را پیش از آنان هلاک کردیم؟ آیا ندانسته‌اند اکنون گرفتار کیفر الهی‌اند و نمی‌توانند به سوی اینان بازگردند» پس آن کسی که تمام این کارها را انجام می‌

شخص «زید» و «عمر» بود که علم دینی نیست اما اگر موضوع علمی فعل خداوند بود قطعاً دینی شمرده می‌شود. این مرجع تقلید بیان کرد: انسان در هر رکعت نمازش با جمله «يَحُولُ اللَّهُ وَ قُوَّتِهِ أَقْوَمُ وَ أَقْعَدُ» نفی جبر و تفویض می‌کند؛ چرا که معنای این تعلیم اختیار و ابطال جبر و تفویض در نماز است. یعنی من به عنوان انسان جمیع قعود و قیامم به حول و قوه الهی است نه اینکه در رکعات نماز که می‌ایستم یا می‌نشینم به حول و قوه الهی است. وقتی سوال می‌کنند ما می‌توانیم در نماز از کسی تبری کنیم امام می‌فرماید: بله شما از معتزله و اشاعره در هر رکعت نماز با گفتن جمله «يَحُولُ اللَّهُ وَ قُوَّتِهِ أَقْوَمُ وَ أَقْعَدُ» تبری می‌جوئید، در حقیقت حرف معتزله که همه چیز را خداوند به انسان تفویض کرده است و همچنین حرف اشاعره که جبر است با این ذکر ابطال می‌شود.

بی‌نیازی خداوند به شکرگزاری انسان / شکرگزاری کمال انسان است

وی ادامه داد: ذات اقدس اله بعد از اینکه به ناسپاسی آنها اشاره می‌کند می‌فرماید: «سُبْحَانَ الَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا مِمَّا تُثْبِتُ الْأَرْضُ وَمِنْ أَنْفُسِهِمْ وَمِمَّا لَا يَعْلَمُونَ؛ منزّه است آن که همه جفت‌ها را آفرید؛ از گیاهان و حیواناتی که زمین آنها را می‌رویانند و پدید می‌آورد، و از آدمیان و آفریدگانی که بدانها آگاهی ندارند؛ او همه را به صورت نر و ماده آفرید» او نیازی به شکر ما ندارد او منزّه از هر چیزی است و اگر سخن از شکرگزاری می‌شود این کمال خود انسان است. در ادامه آیه خداوند تعلیم صنعت می‌کند چرا که اشاره به ثمر بعد از تناکح است. یعنی صنعت تناکح باعث زنده شدن مرده و روئیدن درخت و میوه بر روی زمین می‌شود.